

چرا عبرت نگرفتیم؟

مؤمن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود. در ۱۸ تیر ۷۸، انقلاب از نفوذ دشمن در وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی ما، ضربه‌ی سنگینی خورد که این زخم پس از ۱۰ سال هنوز کاملاً ترمیم نشده است. در آن حادثه، به دنبال شعارهای تند یک عده دانشجویان در کوی دانشگاه تهران، جمعی با لباس نیروی انتظامی و لباس شخصی به داخل خوابگاه‌های دانشگاه تهران ریختند و دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار دادند و عده‌ای را زخمی کردند و خسارت زیادی به‌جا گذاشتند. مقام معظم رهبری در سخنرانی سه روز بعد، ۲۱ تیر ۷۸، در این خصوص فرمودند:

برادران و خواهران عزیز؛ خیلی خوش آمدید. حرفهای گفتنی زیاد است؛ اما مطلبی که از نظر من مهمتر از همه است و ذهن مرا مشغول کرده، حمله به خوابگاه جوانان و دانشجویان است. این حادثه تلخ، قلب مرا جریحه‌دار کرد؛ حادثه غیرقابل قبولی در جمهوری اسلامی بود. حمله به منزل و مأوا و مسکن جمعی - بخصوص در شب یا در هنگام نماز جماعت - به هیچ وجه در نظام اسلامی قابل قبول نیست. جوانان این کشور - چه دانشجویان و چه غیر دانشجویان - فرزندان من هستند و هرگونه چیزی که برای این مجموعه‌ها مایه اضطراب و ناراحتی و اشتباه در فهم باشد، برای من بسیار سخت و سنگین است. هرکسی بوده، فرق نمی‌کند؛ چه در لباس نیروی انتظامی، چه در غیر آن. مسلماً با کسانی که در نظام جمهوری اسلامی تخلف می‌کنند، باید برخورد شود؛ اما با کسی که تخلفی نکرده است؛ کسی که در خانه خود در حال استراحت است، آن هم در محیط جوان دانشجویی، کار بسیار خطا و ناروایی است اگر برخورد شود.

این که صد نفر یا دویست نفر از کوی دانشگاه خارج شدند و حرفهایی زدند و شعارهایی دادند، بهانه و مجوزی نمی‌شود برای این که کسانی، در هر لباس و با هر نامی، وارد آن محیط شوند و کارهای ناروایی انجام دهند؛ بخصوص وقتی که نام مقدس نیروی انتظامی در میان می‌آید، عملی که موجب شود نیروی انتظامی بدنام گردد، قضیه را سخت‌تر می‌کند.^۱

اما ریشه‌ی این تحرکات در بیانات ایشان، دشمنان خارجی بیان شد، ضمن این که از خودی‌ها انتقاد شدید شد که چرا با دامن زدن به اختلافات داخلی، راه نفوذ دشمن را باز کردید؟ و اما یک مطلب به دشمن می‌گویم؛ هر که هست و هر جا هست. دشمنان اصلی ما در سازمانهای جاسوسی، طراحان این قضایا هستند. این پولی که مجلس امریکا تصویب کرد که باید برای مبارزه با نظام ایران صرف شود، این پول و چندین برابر این پولها کجا مصرف شد؟! معلوم است؛ برای همین‌طور طراحیهایی مصرف می‌شود؛ شکی نیست. این دشمنان بدانند که خواب برگشتن امریکا به این مملکت، یک خواب پریشان و غیرقابل تعبیر است...

یک نکته هم به این خط و خطوط سیاسی عرض کنیم. آقایانی که سردمداران خطوط سیاسی و گرایشهای سیاسی هستید، حالا برسید به این حرفی که ما می‌گوییم شما خودیها وقتی سر قضایای بیهوده این‌طور با هم درگیر می‌شوید، دشمن سوء استفاده می‌کند؛ بفرمایید، این یک نمونه؛ دیدید دشمن چطور استفاده کرد؟! دیدید دشمن چگونه نیش خود را زد؟! این مسائل را کنار بگذارید. البته ما اصرار نداریم که همه یک‌طور فکر کنند؛ اما برای کار سیاسی و درگیری سیاسی، حدی قائل شوید و خط قرمزی بگذارید. بی‌حساب و کتاب با هم مبارزه نکنید که آن قدر مشغول شوید که به دشمن اجازه دهید این‌طور بیاید و داخل این میدانها بشود.^۲

ایشان همچنین تأکید کردند که در مقابل اهانت به شخص رهبری، صبور و ساکت باشید و برخورد خشن نکنید، برخورد خشونت‌آمیز دشمن را خوش حال می‌کند:

این‌گونه حرکتی که ملاحظه شد کسانی به دانشگاه حمله کنند، ناشی از بی‌انضباطی است؛ با هر نامی انجام گیرد، غلط و محکوم است. اگر با نام دفاع از دین هم انجام گیرد، غلط است؛ اگر با نام دفاع از ولایت هم انجام گیرد، غلط است. مگر من بارها نگفته‌ام در

^۱ بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از دانشجویان به همراه اقشار مختلف مردم ۷۸/۴/۲۱

^۲ همان

اجتماعات کسانی که مخالفند، هیچ کس نباید رفتار خشونت‌آمیز داشته باشد؛ چون این، دشمن را خوشحال می‌کند. بارها ما این حرف را گفتیم، چرا گوش نکردند؟! چرا گوش نمی‌کنند؟! حتی اگر یک حرفی که خون شما را به جوش می‌آورد به زبان آورند - مثلاً فرض کنید اهانت به رهبری کردند - باز هم باید صبر و سکوت کنید. اگر عکس مرا هم آتش زدند و یا پاره کردند، باید سکوت کنید. نیرویتان را برای آن روزی که کشور به آن نیازمند است، برای آن روزی که نیروی جوان و مؤمن و حزب‌اللهی باید در مقابله با دشمن بایستد، حفظ کنید، والا حالا فرض کنیم یک جوان، یا یک دانشجوی فریب‌خورده‌ای هم حرفی زد و کاری کرد؛ چه اشکالی دارد؟ من از او صرف‌نظر می‌کنم.^۳

همان قضیه امسال و البته به شکلی سازمان‌یافته‌تر در خلال دهمین انتخابات ریاست جمهوری رخ داد. قضیه از آن‌جا شروع شد که در خلال چهار سال ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد، دولت ایشان مدام تحت بمباران انتقاد و تخریب قرار گرفت که البته با سکوت به‌جا و معنادار دولت، ماجرابی که می‌توانست به تشنج در فضای سیاسی کشور بیانجامد، به‌خیر گذشت. رهبر معظم انقلاب علت این هجوم بی‌سابقه را چنین بیان کردند:

البته شما در شنیدن انتقادات سعه‌ی صدر داشته باشید. یعنی واقعاً اگر انتقادی منصفانه است، با روی باز بپذیرید. حتی من می‌خواهم به شما توصیه کنم که تخریبها را هم تحمل کنید. بالاخره سال آخر، علیه غالب دولت‌ها این چیزها هست؛ البته علیه این دولت بیشتر هست. دو جریان الان علیه این دولت وجود دارد: یک جریان، جریان داخلی است؛ یک جریان هم جریان خارجی است که او مهمتر است. الان شما اگر رسانه‌های دنیا و حرفه‌ای محافل خبری دنیا و محافل سیاسی دنیا را نگاه کنید، می‌بینید همه‌شان - واقعاً مثل جنگ احزاب - دست به دست هم داده‌اند و دارند فشار می‌آورند که این دولت را بکوبند. هدف واقعیشان هم این دولت - یعنی آقای احمدی‌نژاد و شماها - نیست؛ البته آماج این دعوای شماست؛ اما هدف واقعی، انقلاب است؛ هدف واقعی، نظام است. شماها هم چون حرف نظام را می‌زنید، طبعاً آماج این تهاجم‌ها قرار می‌گیرید؛ این خطی است که الان در بیرون وجود دارد.^۴

این سیر در طی تبلیغات و مبارزات انتخاباتی که رسماً حدود سه هفته و به‌طور غیر رسمی چند ماه قبل از انتخابات ادامه داشت، تشدید شد. تخریب‌های علنی شخص رئیس‌جمهور به‌جایی رسید که نامزدهای ریاست‌جمهوری ایشان را در مناظره‌های رسمی با چند ده میلیون نفر تماشاگر، دروغ‌گو، خرافه‌گرا و متوهم نامیدند و مؤدب‌ترین‌شان واژه‌ی «راست‌نمایی» را به‌جای دروغ به‌کار برد. طبیعی است که شخص رئیس‌جمهور باید از خود دفاع کند و ایشان هم با توجه به روحیه‌ی انقلابی خاص خودشان، از استراتژی «حمله بهترین دفاع است» استفاده کرد و ریشه‌ی جریان را مورد هجوم قرار داد. کل این فضا که برپا شد، صرف‌نظر از این که مقصر کیست و چه کسانی دروغ‌گو بودند، همان فضای شلوغی بود که قبل از واقعه‌ی ۱۸ تیر ۷۸ حاکم شده بود و جا را برای نفوذ دشمن بسیار باز کرد.

خب، این‌جا به جاست که ما به خود بیاییم و نقطه‌ضعف‌های جبهه‌ی خودی را بشناسیم. همیشه این طور نیست که یک درس داده شود و دوباره همان درس را بخواهیم پس بدهیم. این یعنی ما درجا زده‌ایم، درحالی که دشمن مدام در حال پیش‌روی بوده است. ضمن این که خداوند نسبت به بعضی موضوعات شدیدالعقاب و شدیدالعذاب و منتقم و قهار نیز هست. ما به فرموده‌ی رهبر معظم انقلاب امیدمان به نصرت الهی است و در جبهه‌ی ایشان تا آخرین نفس خواهیم ایستاد. ان شاء الله، همان گونه که خودشان خطاب به ولی عصر (عج) فرمودند:

آخرین جمله را هم به امام و مقتدای خودمان ولی‌عصر ارواحنا فداه عرض کنیم: ای سید و مولای ما! پیش خدای متعال گواهی بده که ما در راه خدا تا آخرین نفس ایستاده‌ایم. بزرگترین آرزو و افتخار بنده این است که در این راه پُرافتخار و پُرفیض و پُربهجت، جان خودم را تقدیم کنم.^۵

^۳ همان

^۴ دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۸۷/۶/۲

^۵ بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از دانشجویان به همراه ائمه‌المراد ۷۸/۴/۲۱